آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی

خدمات مهم علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه

خدا را شکر می‌کنیم که توفیق داد، بار دیگر سالگرد علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه را برپا داریم. از دست‌اندرکارانی که برای این برنامه زحمت کشیده و می‌کشند، تشکر می‌کنم.

علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه از شخصیت‌های برجسته زمان ما بود و خدمات زیادی به اسلام، مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام و حوزه‌های علمیه کرد. سه خدمت از خدمات ایشان را که از نظر ما مهم است، ذکر می‌کنم:

• احیای مجالس تفسیر

تفسیر در حوزه‌های علمیه در حاشیه بود. ایشان تفسیر را به متن حوزه‌های علمیه آورد و به آن رسمیت داد. البته «تفسیر نمونه» هم نقش مهمی در این مسئله داشت. ایشان سبب شد، مسئله تفسیر قرآن که از مهم‌ترین مسائل علمی است، در حوزه‌های علمیه رسمیت یابد. به یک معنا قرآن را از غریبی بیرون آورد و این خدمت مهم و بزرگی به تفسیر و به حوزه‌های علمیه بود.

دو تألیف در فلسفه اسلامی

بعضی از سمت‌های فلسفه ما برگرفته از فلسفه یونان بود و ناخالصی‌هایی داشت که باعث ایراد بود. می‌گفتند: این با آموزه‌های اسلام نمی‌سازد و فلسفه خواندن حرام است! بعضی از بزرگان اگر کسی درس فلسفه می‌خواند، به او شهریه نمی‌دادند. حق هم با آن‌ها بود؛ چون یک ناخالصی‌هایی در فلسفه آن زمان بود. ایشان ناخالصی‌ها را برداشت و دو کتاب فلسفی برای مبتدین و منتهین نوشت. این دو کتاب فلسفی خالص با آموزه‌های اسلام هماهنگ بود و مشکلی نداشت؛ در این شرایط که اسم فلسفه در حوزه‌های علیمه برده نمی‌شد؛ ایشان این دو کتاب فلسفی را رسمیت داد.

• پاسخ به مادی‌گرایان

طرفداران مادی‌گری به میدان آمده بودند و هجومی شدید به مسائل مذهبی و حوزه‌های علمیه و روحانیون داشتند. فلسفه مادی‌گری کولاک می‌کرد. ایشان برنامه‌ریزی کرد و جلوی آن‌ها ایستاد. کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به این منظور نوشته شد. متن کتاب از علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه است و حواشی آن، که از متن بیشتر است، از مرحوم علامه شهید مطهری. این را در مقابل مادی‌ها علم کردند و جواب مکتب‌های مادی را به‌صورت منطقی دادند و دانشگاهیان و فضلا و حوزه‌های ما را از این خطر نجات دادند.

کتاب «فیلسوف‌نماها» را هم ما برای همین منظور نوشتیم که آن هم، نقش مؤثری داشت. نوشتن این کتاب از خدماتی بود که واقعاً به آن نیاز بود؛ وگرنه بعضی‌ها تحت تأثیر فلسفه‌های مادی‌گری واقع می‌شدند و خیال می‌کردند، فلسفه مادی‌گری درست است؛ درحالی‌که هیچ سازگاری‌ای با منطق صحیح ندارد و با آموزه‌های اسلام، قرآن و حوزه‌های علمیه مخالفت دارد. کسانی که «اصول فلسفه و روش رئالیسم» را خوانده‌اند، می‌دانند که ایشان و مرحوم علامه شهید مطهری چه زحمتی کشیده‌اند. ایشان این مطالب را تدریس کرد. بعد با چند نفر از فضلا مطرح کرد و به کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» تبدیل کردند. خدایش رحمت کند.

• احیای نام علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه با دارالقرآن

خدمات ایشان فراوان بود. من خیال می‌کردم شاید علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه تدریجاً دارد فراموش می‌شود؛ چون نه فرزند روحانی و عالم داشت که جانشینش شود و نه دامادی داشت که جانشینش شود . بعد دیدم خداوند وسیله‌ای فراهم کرد که خیرین خانه علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه را تبدیل به «دارالقرآن علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه» کردند و از این طریق یاد و آثار ایشان احیا گردید و حجت‌الاسلام والمسلمین عابدی هم، عهده‌دار برنامه‌های آنجاست و آنجا کانونی برای تفسیر حوزه علمیه شده است.

امیدوارم این سرمشق و پیامی باشد که اگر کار برای خدا باشد، خدا آن را بارور می‌کند و نموّ می‌دهد. حدیث معروف کوتاهی هست: «مَا کانَ لِلّهِ یَنْمو»؛ چیزی که برای خدا باشد، نموّ(رشد) می‌کند. بنابراین اگر ما برای خدا کار کنیم، خدا ضامن است که آن را نموّ بدهد. قرآن مجید دو مثال زیبا در سوره بقره درباره کسانی که انفاق می‌کنند، دارد. می‌فرماید: مثل آن‌هایی که برای خدا و قصد قربت انفاق می‌کنند، مثل زمین مرتفعی است که دارای خاک حاصل‌خیزی است که بذری در آن افشانده شود. کار دیگری نشده، فقط بذر افشانده شده است. خداوند باران پربرکتی بر این زمینی که بذر دارد، نازل می‌کند و بذرها شروع می‌کند به نموّ کردن. بعد باغستان و گلستان می‌شود. شما زمین را فراهم کن و بذرت را بیفشان! ببین خداوند چه می‌کند.

درباره آن‌هایی که قصد قربتی ندارند، می‌گوید: انفاق که می‌کنند، مثل یک زمینی سفت و سختی است که چند سانتی‌متر خاک رویش باشد و بذر بیفشانید. اگر باران بیاید، این خاک‌ها را می‌شوید و می‌برد؛ هم بذر می‌رود و هم خاک‌ها! چرا؟ چون قصد قربت نبوده.

زندگی ایشان نه‌تنها برای طلاب عزیز بلکه برای همه پیام دارد. ان‌شاءالله این راه را ادامه بدهند و منتظر عنایات الهی و عنایات امام زمان ارواحنا فداه باشند. بار دیگر تشکر می‌کنم، از دست‌اندرکاران و کسانی که برنامه را چیده‌اند و هرسال تکرار می‌شود.

همه را به خدای بزرگ می‌سپارم. والسّلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته.

منبع: بخشی از پیام تصویری معظم له

آیت‌الله‌العظمی سبحانی

توجه به افکار بلند آن متفکر سترگ در عصر فقر اخلاقی و معنوی، چراغ راه حقیقت‌جویان است

افکار والا و تابناک علامه رحمة‌الله‌علیه قلمروهای جغرافیایی را پشت سر نهاده و در دل‌های آزاداندیشان نفوذ کرده است و این ارمغان وارستگی ایشان، از تعلقات دنیوی و تعمیق در اقیانوس معارف متعالی و حیاتی است.

شخصیت، سیره و آثار علامه رحمة‌الله‌علیه مجموعه نفیسی است و تعمیق در ابعاد پیدا و پنهان آن، به محققان و اندیشه‌ورزان عرصه معرفت و حکمت، صمیمانه توصیه می‌شود.

علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه، شخصیت جامع علوم عقلی و نقلی است و سرمایه کانونی این شخصیت، قرآن، سنت و حکمت است. قرآن کلام حق‌تعالی و سنت همانا تبیین وحی و حکمت، عطیه الهی و خیر کثیر است.

عقلانیت و آزاداندیشی دینی، ره‌آورد این پیوند مبارک در نظام معرفتی و اندیشه‌های علامه بزرگوار است؛ نظامی منبعث از ارتباط زمین و آسمان، نورانیت عقل، به نور وحی و صفای قلب و نفس، به معرفت (رب). کشف اسرار هستی و نیل به مقامات باطنی، ره‌آورد تکیه بر وحی و توجه حقیقی به واسطه خدا و خلق است.

علامه رحمة‌الله‌علیه این شکوفایی را متواضعانه، موهبت الهی و ارمغان محبت به انسان کامل می‌داند:

«من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه
ذره‌ای بودم و مهـــر تو مـرا بالا برد
من خس بی‌سر و پایم که به سیل افتـادم
اوکه می‌رفت مرا هـم به دل دریـا برد»

آرای! دین‌شناسی ایشان، ذیل تفسیر آیات الهی در مسائل کلامی مانند نبوت، عصمت و اعجاز از عمقی کم‌نظیر برخوردار است. ایشان در کلام شیعی نقل را با استخدام عقل به نطق آورده و ارتباط خالق و مخلوق را به‌شیوه‌ای بدیع تبیین کرده است.

ارمغان این شیوه، اثبات حکمت و حقانیت دعوت نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله به توحید است. آرای فلسفی و عرفانی ایشان، در آثاری همچون رساله علی علیه‌السلام و فلسفه الهی و رساله ولایه، نشان از عمق و گستره حیات عقلی و عرفانی ایشان و تضلع در حکمت اسلامی است و حاصل آن، اثبات استواری هستی بر نظامی معقول و توان خرد در کشف این نظام است.

علامه رحمة‌الله‌علیه اندیشه‌ورزی فلسفی را با تعهد ایمانی توأم ساخت و راه آزاداندیشی و نقد منصفانه را به همگان نمایاند.

انسان‌شناسی علامه رحمة‌الله‌علیه با تکیه بر معارف وحی و خرد، در سه رساله «الإنسان قبل الدنیا، الإنسان فی الدنیا و الإنسان بعد دنیا» جلوه‌گر است. این شیوه انسان‌شناسی، به تبیین ارتباط تکوینی انسان و حق-تعالی پرداخته و شکوفایی قوای انسانی را نتیجه هدایت، فطرت با اراده تشریعی الهی می‌دانند.

این نکات اشاره‌ای بود به وجود تلألؤ اندیشه‌های آن مرد الهی با جمع کلام، برهان و عرفان که در ذیل قرآن برای بشریت به ودیعت نهاده است.

اما با نگاه به اخلاق در نظام اندیشه و عمل علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه، می‌توان ایشان را احیاگر دین در عصر انحطاط اخلاق و معنویت خواند.

در روزگاری که ارزش‌های اولیه انسانی مقهور، ثروت مادی و ابزارهای دنیوی گشته و فرزند آدم خویشتن را به فراموشی سپرده، هدف زندگی را گم کرده و به دست خویش اسباب انقراض اخلاق را رقم زده است، گنج بی‌پایان اخلاق و معنویت دینی، روحی تازه در کالبد افسرده انسان می‌دمد و افق امید و رضایت و نیل به سعادت ابدی را به او می‌نمایاند.

اخلاق در حیات بشر بیش از برهان دیگری، کارایی عملی داشته و اهتمام ادیان الهی به اخلاق از همین رو بوده است.

اما لطافت و امتیاز اخلاق اسلامی در توحیدی بودن آن است. توحیدی که به تمام معنا عقلانی و برهانی است. این قله‌ای است که علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه بدان توجه ویژه‌ای داشته و در تبیین همه‌جانبه آن، علوم مختلف را به خدمت گرفته است.

اخلاق، برای بشر مطلوبیت فطری و ارزش ذاتی دارد؛ اما آنگاه که درجات اخلاق در فرهنگ اسلامی و قرآن کریم نمایان گردد، انسان بی‌غرض، افقی بسیار والا و نورانی فرا راه حیات، علم و حرفه خود مشاهده می‌کند. اگر محاسن اخلاق، توان تأمین سعادت دنیوی انسان را دارد، قطعاً مکارم اخلاق توان تأمین سعادت دنیوی و اخروی انسان را خواهد داشت.

پیام بی‌بدیل اسلام، تحصیل سعادت با مکارم اخلاق است؛ همـان که در رفتـار و گفتـار الهی مبعوث

حضرت محمد مصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله تبلور یافت.

اکنون باید گفت، علم موجب رشد و پیشرفت و حرفه و صنعت خدمت‌گزار کیفیت حیات دنیوی انسان است؛ اما انسانی که در اوج برخورداری از فنون دقیق و ابزارهای صنعتی هنوز در پی گم شدن یک نام است که گاه آن را در ثروت و قدرت می‌جوید؛ اما هرچه بیشتر می‌جوید، کمتر می‌یابد.

رضایت، آرامش و اطمینان باطنی به‌یقین با جریان یافتن محاسن اخلاق و حاکمیت مکارم اخلاق در ابعاد حیات انسانی حاصل خواهد گشت و رهایی از یأس و پوچی و نیل به سعادت ابدی، به‌وسیله آن یافتنی خواهد بود و این، جز در سایه ذکر مداوم حق‌تعالی عملی نیست.

عروج از سطح محاسن اخلاق به اوج مکارم اخلاق، در همه نظام‌های بشری اعم از آموزشی، تربیتی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دیگر حوزه‌ها، الگوی ابدی برای انسان است که اختصاص به نبی خاتم صلی‌الله‌علیه‌وآله دارد. اخلاق الهی، معبر سعادت حقیقی انسان و نیل او به مراتب قرب حق‌تعالی است.

همو که غایت حقیقی و مطلوب ذاتی همه ذرات هستی است. از خداوند منان برای روح ملکوتی علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه، علوّ درجات و برای خدمت‌گزاران، معارف قرآن و اهل‌بیت علیهم‌السلام و پاسبانان اندیشه‌های تابناک علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه توفیق و سعادت روزافزون مسألت می‌کنم.

منبع: پیام به همایش ملی «اخلاق علم و اخلاق حرفه‌ای» در مکتب علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه

سیره علمی وعملی علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه در مثنوی علامه حسن‌زاده آملی رحمة‌الله‌علیه

علامه حسن‌زاده آملی در مثنوی نسبتاً تفصیلی، به ویژگی‌های شخصیتی و سیره عملی استاد خویش، علامه طباطبایی رحمة‌الله‌علیه پرداخته است:

صبـا! به کـوی عزیـزان روضـه رضـوان
سـلام مـا بـه حضـور عـزیـز مـا برسان
حضـور قدسـی قـدیس عیسوی‌مشـرب
که مرده زنـده نمودی به حکمت و عرفان
حضـور فخـر امـاثـل جنـاب عـلامـه
حضـور صـدر افـاضـل مفسـر قـرآن
حضـور نـور دل و دیـدگـان اهـل ولا
حضـور صـاحـب تفسـیـر فـرد المیـزان
حضـور مـالک درج نهـایـة‌الحکـمـة
حضـور سالـک مجـذوب اولیـای زمـان
پیـام ما برسانش کـه ای فرشته خصـال!
که ای خجسته فعال و که ای ستوده بیان!
«ببین تفـاوت ره از کجـاست تـا به کجا!»
تـراست شـادی وصـل و مرا غـم هجران
لقـای روی توام آن زمان که شد حاصـل
نمـوده‌ام بـه حقـیـقـت زیـارت انسـان
ز امهـات و اصـول مجـالس فیـضـت
رسیـده‌ایـم بـه معنـی واقـع احسـان
سکوت تو همه فکر و کـلام تو همه ذکـر
بیـان تـو همـه بکـر و نوشته‌ات بـرهـان
به حکمت نظـری صنـو بوعلـی سینـا
بـه حکمـت عملـی بوسعیـد و توسیـان
دراست تـو به معیـار خـواجـه و صـدرا
قـداست تـو نـمـودار بـوذر و سلمـان
اشـارت تـو نجـات و عبـارت تـو شفـا
روایـت تـو نـصـوص روایـت و قـرآن
عنـایت تو فتـوحـات فیض عین حـیات
حکـایـت تـو فیـوضـات جلـوه سبحـان
ز عقـل کـل پـدری وز نفس کـل، مـادر
سـزاست مثـل تـو فـرزند حی‌بن یقظان
فغـان و آه کـه نشناختیـم قـدر تـرا
گـرفت از کـف ما نعمتـی چنیـن، کفـران
کنـون بسوگ تو بنشسته‌ایم در حسـرت
کنـون ز دوری تـو اوفتـاده در حـرمـان
نه من ز هجـر تو انـدر خروش و افغـانـم
کـه در خـروش و فغـانست خطـه ایران
قیامتی شـده بر پا به قـم که واهمه گفت
مگـر کـه «زلـزلت الارض» را رسیده زمان
مگـر که یونسی انـدر دهـان مـاهی شد
مگـر که نـوح به کشتی نشست در طوفان
مگـر که مه به محـاقش رسیـد ناهنگام
مگر که نیر اعظم به ظل شده است نهـان
مگـر کـه عـرش بـرین بر زمین فرود آمد
و یا جنـازه عـلامـه شد بـه عـرش روان
صـدای ضجـه مـرد و زن و صغیـر و کبیـر
ز ارتحـال چنـان عـالـم عظیـم‌الشـأن
قلـم شکسته و دل خستـه و زبـان بسته
چگـونه وصف تو را مثل من کنـد عنوان؟
ز درس و بحث و ز تعلیم و تربیت تا هست
سخـن فـیـوض الهـی ترا رسـد هـر آن
تو جـان جـان حسـن‌زاده کی روی از یاد
اگـر چـه پیکـرت از دیـدگان شده پنهان!

افق حوزه
هفته‌نامه افق حوزه
آیت‌الله‌العظمی علامه طباطبائی
مدرس عالی تفسیر
و دارالقرآن علامه طباطبائی رحمة‌الله‌علیه